

An Evaluation of the Significance of the Aspects of the Quran's Miraculous Nature with Emphasis on Quranic Statements of Ayatollah Khamenei

Mohammad Hossein Mirderikvandi¹

Received: 2024/11/25 • Revised: 2024/12/19 • Accepted: 2025/02/09 • Published online: 2025/04/09



Abstract

The Holy Quran is a divine book whose content and wording were entirely revealed by God to the Prophet Muhammad (PBUH). It is the everlasting miracle of the Prophet and serves as proof of his prophethood. One way to establish the divine origin of the Quran is by demonstrating its miraculous nature. Islamic scholars have identified various aspects of the Quran's miraculousness, with some considering a particular aspect as the most significant. This article highlights the most well-known aspects of Quranic miracles and, drawing on the views of Ayatollah Khamenei, identifies the most significant aspect of the Quran's miraculousness. By analyzing several dimensions of Quranic miracles and examining the statements of the Supreme Leader of Iran on this subject, the study also reviews the perspectives of other scholars. Using a descriptive-analytical approach, this research establishes that the Quran, as a clear and enlightening book, possesses multiple dimensions of miraculousness. However, considering

1. Level 4 Islamic Seminary Student in Darso Kharij, Master's Student in Philosophy of Religion, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. mmir7876@gmail.com

* Mirderikvandi, M. H. (2024). An Evaluation of the Significance of the Aspects of the Quran's Miraculous Nature with Emphasis on Quranic Statements of Ayatollah Khamenei. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(21), pp. 40-67.

<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70387.1345>

the Quran's universality, eternity, and the purpose behind granting miracles to prophets, the most significant aspect of the Quran's miraculous nature is its guiding miracle (I'jaz Hidayati).

Keywords

Miraculousness, Aspects of Miraculousness, Guiding Miracle, Miracle of the Quran, Ayatollah Khamenei.



تقييم أهمية الجوانب الإعجازية في القرآن الكريم مع التركيز على الكلمات القرآنية لسماحة آية الله الخامنئي (دام ظله)

محمد حسين ميردريكوندي^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١١/٢٥ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٢/١٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٢/٠٩ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٤/٠٩

الملخص

القرآن الكريم كتاب سماوي، وكل ما فيه من كلمات وعبارات أنزلها الله على النبي ﷺ، وهو معجزة النبي ﷺ الخالدة، وإحدى الطرق لإثبات إلهية القرآن الكريم هو إثبات إعجازه. وقد ذكر كل من علماء الإسلام جوانب عديدة من إعجاز القرآن، وأكد بعضهم على جانب واحد باعتباره أهم جانب من جوانب إعجاز القرآن. ويتناول هذا المقال أشهر هذه الجوانب، ثم يقدم بعد ذلك، وفقاً لفكر آية الله الخامنئي (مد ظله الوارف)، البعد الأهم من إعجاز القرآن الكريم. ومن خلال دراسة جوانب متعددة من إعجاز القرآن الكريم، وفي خلال دراسة كلمات القائد الأعلى حول هذا الموضوع، تم دراسة بعض أقوال العلماء الآخرين أيضاً. في هذه المقالة وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي أثبتنا أن للقرآن أبعاداً إعجازية متعددة، ولكن بالنظر إلى عالمية القرآن وخلوده والغرض من منح المعجزات للأنبياء فإن أهم جانب من جوانب معجزة القرآن هو الإعجاز الهدائي.

الكلمات الرئيسية

الإعجاز، أبعاد الإعجاز، الإعجاز الهدائي، إعجاز القرآن الكريم، آية الله الخامنئي.

١. طالب مستوى الخارج (المستوى الرابع)، طالب ماجستير في فلسفة الدين، مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث. قم. إيران.
mmir7876@gmail.com

* ميردريكوندي، محمد حسين. (٢٠٢٤م). تقييم أهمية الجوانب الإعجازية في القرآن الكريم مع التركيز على الكلمات القرآنية لسماحة آية الله الخامنئي، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، (٢١) ٦، صص ٤٠-٦٧.
<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70387.1345>

اهمیت سنجی وجوه اعجاز قرآن کریم با تأکید بر بیانات قرآنی آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)



محمدحسین میردریگوندی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

چکیده

قرآن کریم کتابی الهی است که تمامی محتوا و الفاظ آن از سوی خداوند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است، کتابی که معجزه‌ی جاویدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و نبوت آن حضرت را اثبات می‌کند. یکی از راه‌های اثبات الهی بودن قرآن کریم، اثبات معجزه بودن قرآن است. هر یک از علمای اسلام چند وجه از وجوه اعجاز قرآن را ذکر کرده و برخی از آن‌ها یک وجه را مهمترین وجه اعجاز قرآن به حساب آورده‌اند. در این مقاله به معروف‌ترین آنها اشاره شده و با توجه به اندیشه‌ی آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مهمترین بُعد اعجاز قرآن معرفی شده است. با بررسی چند بُعد اعجاز قرآن کریم، در ضمن بررسی کلمات مقام معظم رهبری در آن خصوص، برخی کلمات علمای دیگر هم بررسی شده است. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی اثبات می‌شود که این کتاب مبین، دارای ابعاد مختلفی از اعجاز است ولی باتوجه به جهانی بودن و جاودانه بودن قرآن و باتوجه به هدف از اعطای معجزه به پیامبران، مهمترین وجه اعجاز قرآن، اعجاز هدایتی آن است.

کلیدواژه‌ها

اعجاز، ابعاد اعجاز، اعجاز هدایتی، اعجاز قرآن، آیت الله خامنه‌ای.

۱. طلبه درس خارج (سطح ۴)، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین؛ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه قم، ایران.
mmir7876@gmail.com

* میردریگوندی، محمدحسین. (۱۴۰۳). اهمیت سنجی وجوه اعجاز قرآن کریم با تأکید بر بیانات قرآنی آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی). فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۱)، صص ۴۰-۶۷.

<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70387.1345>

یکی از پرسش‌های که در فلسفه دین مطرح می‌شود این است که هر یک از باورمندان به ادیان مختلف با چه استدلالی حقانیت آن دین را پذیرفته‌اند؟ به دیگر بیان، چگونه اطمینان یافته‌اند پیامبری که مدعی نبوت و رسالت است، در ادعای خود صداقت دارد؟ از کجا ثابت می‌شود اشخاصی مانند نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و ... پیامبران الهی هستند؟ یکی از راه‌های باورمندی به راستی مدعی پیامبری، داشتن معجزه است، مانند حضرت موسی علیه السلام که عصایی را انداخت و تبدیل به اژدها شد «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ»، (اعراف، ۱۰۷) و حضرت عیسی علیه السلام مرده‌ای را زنده کرد و به استنطاق درآورد «وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي» (مائده، ۱۱۰)؛ بنابراین معجزه راهی است که پی ببریم خداوند بعد از مدت زمان طولانی که پیامبری را به‌سوی مردم ارسال نکرد (مائده، ۱۹) پیامبر دیگری را برانگیخته است تا مشعل هدایت را در میان ظلمات جهل برافروزد. پس تا دلیل قاطعی از جانب مدعی پیامبری عرضه نشود ما حجتی بر اطاعت از او نداریم.

تفاوت پیامبر آخرالزمان با دیگر پیامبران در این است که دین او باید تا روز قیامت در میان مردم باشد، یعنی حتی مردمی که حضور او را درک نکرده و از معجزات موقت و زمان‌مند او آگاه نشده‌اند؛ بر خلاف دیگر پیامبران که دعوتشان در برخی موارد محدود به مردم زمان خودشان بود، بنابراین به همان معجزات موقت اکتفا کردند؛ از این‌رو آخرین مشعلی که خداوند می‌افروزد باید دارای چنان نور اعجازی باشد که تا روز قیامت برای تمام مردمی که خواهند آمد، نورافکنی کند. این معجزه‌ی جاودانه و نورافشان، چیزی نیست جز قرآن کریم که اعجاز آن مختصر در یک جهت نیست.

این معجزه مکتوب هم اعجاز ادبی دارد، هم اعجاز علمی دارد، هم به‌صورت معجزه‌آسایی هدایت‌بخش است و هم از دیگر گزینه‌های اعجاز‌آمیز بهره‌مند است. پرسشی که بسیار مهم بوده و کمتر به پاسخ آن پرداخته شده، این است که از میان این ابعاد گوناگون اعجاز قرآن کریم، کدام‌یک از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و ستون اصلی معجزه بودن قرآن را شکل می‌دهد؟

در خصوص بررسی ابعاد اعجاز قرآن کریم، از دیرباز تاکنون کتب و مقالات بسیاری نوشته شده است. اما با توجه به اینکه هدف ما در این تحقیق نه تنها بررسی این ابعاد، بلکه مقایسه و اهمیت سنجی میان این ابعاد است، می‌توانیم بگوییم که پژوهش‌های کمتری به این مقصود پرداخته‌اند، که ما به اختصار به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مرحوم ملکی میانجی در دروس تفسیر خود که پس از آن ذیل تفسیر مناهج البیان منتشر شده است، در جلد نخست صفحه ۵۸، با توجه دادن به عمومیتی که تحدی قرآن نسبت به غیر عرب زبانان دارد، به این نتیجه می‌رسند که تحدی باید به آن بُعدی از اعجاز باشد که دیگر ملل و اقوام نیز شریک در آن باشند، و آن بُعد، بُعد هدایت بخشی قرآن است.

۲. شیخ مجتبی قزوینی خراسانی در جلد دوم تفسیر بیان الفرقان صفحه ۱۹۷، با ذکر این نکته که فروکاستن اعجاز قرآن به اعجاز ادبی، موجب فروکاسته شدن اهمیت قرآن در حد کلام شعرای عرب زبان، شأن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هدایت بخشی و عرضه مطالب هدایت بخش می‌داند. در نتیجه مهمترین وجه اعجاز قرآن را اعجاز هدایتی آن می‌شمارد.

در این پژوهش تلاش شده است تا با عرضه ملاکی از اعجاز که از فرمایشات آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) نیز قابل برداشت است، به اهمیت سنجی وجوه اعجاز قرآن کریم پراخته شود.

۱. ابعاد اعجاز قرآن کریم

قرآن کریم معجزه‌ای است که اعجاز آن تنها از یک جهت نیست، بلکه هر کس با هر سطح علمی قرآن مطالعه کند این کتاب را دارای معجزه می‌بیند. توضیح اینکه هر انسانی دست کم در انسان بودن با دیگر انسان‌ها یکسان است. این انسان اگر از نگاه یک انسان به قرآن نظر کند، با قطع نظر از اینکه شغل او چیست و به چه مسائلی علاقه‌مند است، درمی‌یابد که قرآن مطالب شگرفی را برای هدایت انسان و برای فطرت

زیبایی جوی او قرار داده است،^۱ و از این جهت پی به اعجاز او می‌برد. افزون بر اینکه دست کم برخی صاحبان فنون و علوم خاص نیز می‌توانند از نگاه تخصصی خود اعجاز قرآن را کشف کنند.^۲ در اینجا برخی از ابعاد اعجاز قرآن کریم را به اختصار بیان می‌کنیم.

۱-۱. اعجاز موسیقایی

یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم زیبایی شنیداری است. قرآن دارای آهنگ موسیقایی دلنشینی است که گوش هر شنونده‌ای را جذب خود می‌کند. آیت الله سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در این رابطه می‌فرماید: «زیبایی قرآن فقط در معانی و معارف قرآن نیست؛ الفاظ قرآن هم زیبا است ... الفاظ قرآن، آهنگ قرآن، شیوه و سبک قرآن، خودش یک معجزه است. قرآن شعر نیست، نثر هم نیست؛ اما هم زیبایی بهترین شعر را و هم زیبایی بهترین نثر را دارد. وزن هم گاهی در بعضی از آیات قرآن هست، اما زیبایی لفظی قرآن با وزن نیست؛ آنجایی که وزنی هم وجود ندارد، زیبایی و لفظ قرآن، انسان را مجذوب می‌کند؛ تعبیر "مسحور" درست نیست، اما باید بگوییم دل انسان را می‌رباید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۸).

اکثر مفسران قبول دارند که سبک بیان قرآن سبکی جدید است و در آن زمان این گونه سبک بیان وجود نداشت. انواع کلام در میان فصیح‌ای عرب در سه قالب متداول بود که عبارتند از: شعر، سجع و نثر. هریک از این سه شیوه محاسن و معایب خاص خود را دارند، اما قرآن سبک و شیوه جدیدی عرضه می‌کند که ظرافت شعر، آزادی مطلق نثر و حسن و لطافت سجع را داراست، بی‌آن که در تنگنای قافیه و وزن

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰).

۲. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره، ۱۶۴).

دچار گردد یا پراکنده‌گویی کرده تکلف به خود راه دهد. همین امر موجب حیرت ادبای عرب گردیده است و بسیاری از علما این سبک قرآن را از برجسته‌ترین ابعاد اعجاز ادبی و بیانی قرآن دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۷۹، صص ۳۵۷-۳۵۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۵ق، صص ۱۰۶-۱۰۸؛ مطهری، ۱۳۹۲، ص ۸۱).

پروفسور دورمان آمریکایی در این باره می‌نویسد: «قرآن لفظ به لفظ به وسیله جبرئیل، بر حضرت محمد ﷺ وحی شده و هر یک از الفاظ آن کامل و تمام است. قرآن معجزه‌ای جاوید و شاهد بر صدق ادعای محمد رسول خدا ﷺ است. قسمتی از جنبه اعجاز آن، مربوط به سبک و اسلوب انشای آن است و این سبک و اسلوب، به قدری کامل و عظیم و باشکوه است که نه انسان و نه پریان، نمی‌توانند کوچک‌ترین سوره‌ای نظیر آن را بیاورند» (زقروق، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۰۶).

برای نمونه به آیات نوزدهم تا بیست و دوم سوره مبارکه نجم توجه کنید: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ * أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ * تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ»، در آیه بیستم و بیست و دوم اگر کلمه اخری و اذن نبود افزون بر اینکه معنی به‌درستی رسانده نمی‌شد، وزن آیات نیز از بین می‌رفت، از این‌رو خداوند متعال با اضافه کردن این دو کلمه هم معنا را کامل کرد و هم وزن آیات را حفظ کرد.

۲-۱. اعجاز ادبی

اعجاز ادبی قرآن به معنای این است که کلمات این کتاب در بالاترین مرتبه‌ی فصاحت و بلاغت هستند. فصاحت و بلاغت در لغت به معنای آشکارشدن و بیان کردن است و در اصطلاح، فصاحت عبارت است از زیبایی کلام که ناشی می‌شود از صحت نحوی، راحتی تلفظ و راحتی فهم مراد کلام به همراه فصاحت مفردات آن کلام و بلاغت به معنای مطابقت کلام فصیح با مقتضای حال خطاب است.

آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در خصوص اعجاز ادبی قرآن می‌فرماید: «قرآن را یک کسی که آشنا به فنون فصاحت و بلاغت و اهل بیان و سخنوری نیست، وقتی نگاه می‌کند، تفاوت او را با یک سخن عربی، بخصوص اگر آن سخن عربی دارای زر و

زیورهای بیانی باشد، چندان نمی‌فهمد، اما آن کسانی که خودشان اهل سخنوری بودند، همین که سخن قرآن مطرح می‌شد آنها می‌دیدند یک امر فوق‌العاده‌ای است و از نوع کار آنها نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۲/۱۶).

استاد مطهری درباره تبیین این وجه اعجاز چنین می‌گویند: «یکی از وجوه اعجاز قرآن که از قدیم‌الایام مورد توجه قرار گرفته و فوق‌العاده مورد توجه بوده است جنبه لفظی و جنبه ظاهری آن است که به جنبه فصاحت و بلاغت تعبیر می‌کنند. فصاحت و بلاغت را تا حدودی هر کسی در هر زبانی وارد باشد در آن زبان می‌شناسد، که خودش یک موضوعی است؛ یعنی روشنی بیان، شیرینی بیان، زیبایی یک بیان، جذابیت یک بیان» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۵۲).

حال ادعا این است که قرآن کریم هم دارای وصف فصاحت است و هم دارای وصف بلاغت. قبل از اینکه به ادله و شواهدی استشهاد کنیم بهتر است به این سوال پردازیم که به‌طور اساسی چرا باید یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم فصاحت و بلاغت آن باشد؟

در روایتی از امام هادی علیه السلام علت فصاحت و بلاغت قرآن این‌گونه بیان شده است: «زمانی که خداوند، حضرت موسی علیه السلام را با معجزه عصا و دست نورانی برانگیخت، سحر و جادو کار مرسوم بود و موسی علیه السلام با این اعجاز بر همه سحر و جادوها چیره شد و حجت را بر مردم تمام کرد. زمانی که خداوند، عیسی علیه السلام را با معجزه شفا دادن کور و مبتلا به بَرَص و زنده کردن مرده‌ها مبعوث کرد، درمان و معالجه‌های مختلف کار مرسوم و شایعی بود و حضرت عیسی علیه السلام نیز با این اعجاز همه را مقهور اعجاز خداوندی ساخت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز در زمانی با قرآن و شمشیر مبعوث شد که کار رایج در آن زمان جنگجویی با شمشیر و سرودن شعر بود. پیامبر خدا نیز با قرآن و شمشیر بر شعر و شمشیر آنان پیروز شد و حجت را بر آنان تمام کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۱۶۴).

زیبایی فصاحت و بلاغت قرآن به حدی است که در تاریخ آمده که ابوجهل، ابوسفیان و اخنس بن شریق، سه نفر از سران مشرکان، سه شب متوالی بدون اینکه به بقیه یا به همدیگر خبر دهند، به‌صورت مخفیانه در گوشه‌ای می‌نشستند و تا صبح به آیات

قرآن کریم از زبان پیامبر ﷺ گوش فرا می‌دادند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۲۵).

استاد شهید مطهری مطلب بسیار عجیبی درباره قرآن کریم دارند. ایشان مقایسه‌ای را میان کلمات نورانی امیرالمومنین (علیه السلام) با کلمات وحیانی قرآن انجام داده و می‌گویند با اینکه کلمات حضرت امیر (علیه السلام) دارای فصاحت و بلاغت بسیار بالایی است، با این حال وقتی خود ایشان در بین سخنان خود از آیات قرآن استفاده می‌کنند، کاملاً تفاوت میان این دو نوع سخن مشخص است؛ زیرا کلمات قرآن کلماتی وحیانی هستند که به‌طور مستقیم توسط خود خداوند نازل شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۵۳۷).

شخصیتی مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) که امیر بیان و بلیغ زمان است، کسی که خطبه بدون الف (کفمی، ۱۳۲۱، ص ۹۶۸) و خطبه‌ی بدون نقطه (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۴۸) می‌خواند، بدون اینکه از اتقان و زیبایی مطلبش کم شود، وقتی کلامش را با کلام خالقلش مقایسه می‌کنیم، گویا که در فضایی تاریک یک مرتبه ستاره‌ی پرنوری بدرخشد، یا به تعبیر استاد شهید مطهری مثل این است که شما از یک جاده‌ی پرفراز و نشیب وارد یک جاده‌ی هموار شوید! این معنای فصاحت و بلاغت قرآن کریم است.

علمای فصاحت و بلاغت دست‌کم پنجاه زیبایی معنوی و لفظی را برای یک کلام ذکر کرده‌اند، زیبایی‌هایی که ریشه در ذوق سلیم انسان و زبان کامل عربی دارد. حال شما ممکن است دیوان بزرگترین شاعر را هم که بررسی کنید چند نمونه از این محسنات را بیابید، درحالی‌که در قرآن کریم، شما تمامی این محسنات را به نحو احسن مشاهده می‌کنید و حتی گاهی در یک فقره از آیات چند نمونه از محسنات باهم جمع شده‌اند.

یکی از این آیات آیه ۴۴ سوره هود است: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ أَفْلَعِي وَ غِيضُ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ وَ (پس از غرق کافران براساس اراده حتمی خدا) گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر، و ای آسمان (از ریزش خود) باز ایست و آب (در زمین) فرو شد و کار (حتمی هلاکت کفار) پایان یافت و کشتی بر (کوه) جودی قرار گرفت و (از جانب حق یا فرشتگانش)

گفته شد: مرگ و دوری (از رحمت حق) بر ظالمان باد!

در این آیه بیش از ۶۰ نکته‌ی بلاغی وجود دارد! کدام کلام بشری است که دارای چنین حدی از فصاحت و بلاغت باشد؟ برای نمونه به چند مورد از این نکات اشاره می‌کنیم:

۱. در عبارت «قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلَعِي» خداوند متعال یک امر تکوینی را بیان می‌کند که در آن زمین و آسمان باید آب را فرو برده و از باریدن دست بردارند، ولی خداوند متعال این اراده تکوینی را به اراده تشریعی استعاره کرده است و لفظ قول که برای اراده تشریعی است را برای این اراده تکوینی به کار برده است.

۲. تشبیه کردن زمین و آسمان به یک انسان دارای درک و شعور اولاً خود یک نکته‌ی بلاغی است و ثانیاً وجه شبه این تشبیه یک امر خیالی است، از این رو این تشبیه دارای صنعت تخیل است.^۱

۳. در اضافه کلمه ماء به کاف ضمیر که به ارض برمی‌گردد مجاز عقلی نهفته است، ارض محل ماء است نه مالک آن، ولی اضافه‌ی فوق مالکیت ارض برای ماء را می‌رساند که یک مجاز در اسناد و مجاز عقلی است (هاشمی، ۱۳۸۸، صص ۳۱۹-۳۳۰).

۳-۱. اعجاز هماهنگی و عدم اختلاف

قرآن کریم در طول ۲۳ سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، در دوره‌ای که پیامبر بیشترین فراز و فرودی را که یک مصلح اجتماعی می‌تواند تجربه کند، تجربه کرده است. از مرگ همسر و بزرگترین حامی به نام ابوطالب، تا جنگ‌ها و خیانت‌ها و زخم‌ها و فقر و گرسنگی. هر کدام از این اتفاقات به تنهایی کافی است تا یک نفر را به گونه‌ای از مسیر خارج کند که افعال و اقوال قبل و بعد از آن اتفاق به‌طور کامل متفاوت باشد،

۱. البته لازم به ذکر است که این نوع نگاه به آیات قرآن، نگاه بلاغی است که توسط علماء بلاغت بیان شده است، ولی از منظر خود قرآن کریم تمامی موجودات تحت امر الهی‌اند و می‌توانند مخاطب به خطاب تشریعی یا تکوینی باشند. در این آیه نیز حقیقتاً زمین و آسمان مورد خطاب الهی‌اند و مأمور به فرو بردن آب و توقف بارش می‌باشند.

به‌ویژه اگر بخواهد کلامی بگوید که مقتضای آن بیان روش هدایت و زندگی درست است، که به‌طور طبیعی دقت و ظرافت بیشتری را می‌طلبد. اما با این وجود، با کمال تعجب دیده می‌شود که در قرآن کریم، یک خط مستقیم به سوی کمال ترسیم شده و هیچ‌گاه این کلام از این خط منحرف نمی‌شود. حتی در آیاتی که بعد از شکست‌هایی مثل شکست در جنگ احد نازل می‌شود، شما همان خدایی را می‌بینید که بعد از پیروزی در جنگ بدر دیدید، قواعد همان قواعد و احکام همان احکام است. پس ما شاهد یک نظم دائمی در قرآن کریم هستیم.

از طرف دیگر علم انسان مانند تمام شئون دیگر او تکامل تدریجی دارد و اگر قرار بود این قرآن را یک نفر از جانب خود بیاورد، به‌یقین علمیت و اتقان آیات سال اول قابل مقایسه با علمیت و اتقان آیات سال‌های آخر تدوین قرآن نبود، و حال آنکه تمامی قرآن در یک سطح علمی است که بالاترین سطح قابل فرض است؛ همچنین با توجه به اینکه شخص تکامل تدریجی دارد، احتمال بالایی هست که سخنانی متناقض در کتابش گفته باشد، و حال آنکه حتی یک مورد در قرآن پیدا نمی‌شود که تناقضی بین کلمات وجود داشته باشد. آیت الله سبحانی در این باره می‌فرماید: «قرآن با آنکه در مدت بیست و سه سال و به‌تدریج بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده و از جامعیت برخوردار بوده و در مورد مطالب گوناگون سخن گفته، کمترین نشانه‌ای از تناقض و اختلاف در نظم و هماهنگی آن مشاهده نمی‌شود و این دلالت بر اعجاز قرآن دارد، زیرا اگر از سوی غیر خدا بود در آن ناهماهنگی پیدا می‌شد و حال که چنین اختلافی نیست پس از سوی خدا نازل شده است» (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵).

بنابراین قرآن کریم کتابی است که در طول ۲۳ سال، به‌رغم تمامی مشکلات و گرفتاری‌ها نازل شد، به نحوی که حتی یک مورد تناقض و تضاد در قرآن یافت نمی‌شود. خود قرآن در این باره می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از نزد غیر خدا می‌بود در آن ناسازگاری و ناهمگونی بسیار می‌یافتند» (نساء، ۸۲). البته برخی مستشرقین و به‌ظاهر روشن‌فکران آیاتی را به ادعای تناقض علم کرده‌اند، ولی به تمامی موارد مورد ادعای

آنها پاسخ‌های منطقی داده شده است که در این نوشتار مجال پرداختن به آنها نیست (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۸۸؛ هاشمی، ۱۳۹۷).

۴-۱. اعجاز علمی

یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم، اعجاز علمی آن است. فرض کنید یک روز صبح در اخبار صبحگاهی بشنوید که دانشمندان پس از سال‌ها تلاش طاقت‌فرسا و پس از آزمایشات گوناگون و صرف هزینه‌های بسیار به یک کشف مهم علمی نائل آمدند. اما بعد از چندروز وقتی برای موضوعی مشغول مطالعه کتابی هستید، ببینید نویسنده آن کتاب سال‌ها قبل به این موضوع علمی پرداخته و پاسخی را که امروزه دانشمندان با صرف هزاران هزینه به آن رسیده‌اند، آن شخص بدون هزینه یا با هزینه بسیار کمتر به آن رسیده بوده است. به یقین به ذهن شما خطور می‌کند که آن شخص دارای نبوغ و استعداد فوق العاده‌ای بوده است. حال اگر این کشف علمی در امروز با دستگاه‌های بسیار پیشرفته علمی حاصل شده باشد به نحوی که به‌طور اساسی بدون آن دستگاه‌ها و از روش عادی نمی‌توان به این کشف رسید، پس آن نویسنده چگونه بدون داشتن آن شرایط به آن پاسخ رسیده است؟ اینجاست که این احتمال قوی در ذهن شما پدید می‌آید که آن شخص از طریقی ماورایی و غیرعادی به آن جواب دست یافته است.

قرآن در حدود ۱۴۰۰ سال قبل، توسط مردی درس نخوانده و در میان قومی نازل شد که تنها تعداد اندکی‌شان خواندن و نوشتن بلد بودند و آن مقدار هم صرف شعرسرایی می‌شد (خضری و دیگران، ۱۳۹۴، صص ۷۹-۱۰۵). نه تنها آن قوم، بلکه در آن زمان وضعیت اکثر مردم جهان این چنین بود، یعنی اکثر مردم حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند و علوم آن زمان جز در برخی علوم مثل فلسفه و نجوم و بعضا ریاضیات، بسیار سطحی و ساده بود. حال اگر این شخص ادعا کند سخنانی از جانب خدا به او رسیده است و ما در این سخنان به مناسبت مطالب علمی را یافت کنیم که محال است توسط خود او ساخته و پرداخته شده باشد، ما را به این نتیجه می‌رساند که ادعای او مبتنی بر واقعیتی است. حال روز به روز اعجاز علمی قرآن واضح‌تر شده و موارد بیشتری کشف

می‌شود. استاد مطهری می‌فرماید: «همین کتاب باد و باران آقای مهندس بازرگان، من یک دور مطالعه کردم، به نظرم خیلی فوق‌العاده آمد، یعنی خودش کشف یکی از اعجازهای قرآن در مسائل طبیعی است. قهراً باید همین طور باشد که اعجازهای علمی قرآن باید نوبه‌نو کشف شود، که در این زمینه هم باز ما در کلمات پیغمبر اکرم و ائمه داریم که قرآن چون مخصوص به یک زمان معین نیست در همه زمان‌ها تازه است و قرآن استعداد کشف جدید دارد» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۶۸).

برای نمونه به یک مورد از معروف ترین اعجازهای علمی قرآن اشاره می‌کنیم: «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا؛ سپس آب اندک سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم؛ و [خون بسته] آویزان را به صورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم؛ و گوشت جویده شده را به صورت استخوان‌هایی آفریدیم و بر استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم» (مؤمن، ۱۴).

در تفسیر نمونه ذیل این آیه چنین آمده است: «نویسنده تفسیر فی ظلال ذیل آیه مورد بحث در اینجا جمله عجیبی نقل می‌کند و آن اینکه جنین بعد از آنکه مرحله علقه و مضغه را پشت سر گذاشت، تمام سلول‌هایش تبدیل به سلول‌های استخوانی می‌شود و بعد از آن تدریجاً عضلات و گوشت روی آن را می‌پوشاند؛ بنابراین، جمله‌ی «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» یک معجزه علمی است که پرده از روی این مسئله که در آن روز برای هیچ کس روشن نبود، بر می‌دارد؛ زیرا قرآن نمی‌گوید: ما مضغه را به استخوان و گوشت تبدیل کردیم، بلکه می‌گوید: ما مضغه را به استخوان تبدیل کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشاندیم. این اشاره است به اینکه مضغه نخست به استخوان تبدیل می‌شود و بعد از آن، گوشت روی آن را می‌پوشاند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۱۳).

تصور کنید چگونه کتابی به ترتیب مراحل شکل‌گیری جنین را توضیح می‌دهد، بدون اینکه مجهز به دستگاه‌های پیشرفته پزشکی باشد. به‌ویژه اینکه در برخی مراحل تشبیهاتی را به کار می‌برد که واقعا انسان را به اعجاب می‌کشانند. قرآن واقعا چگونه جنین را در مراحل اولیه شکل‌گیری به «علقه» تشبیه می‌کند؟ علقه‌ای که یکی از معانی آن زالو است و امروزه ثابت شده است جنین در مراحل اولیه شکل‌گیری دقیقا شبیه زالو

است و مثل زالو که به بدن انسان آویزان می‌ماند از دیواره رحم آویزان است.

پروفسور کیت‌مور کالبدشناس و استاد دانشگاه تورنتو کانادا با تصریح به وحی بودن قرآن می‌گوید: «تا آنجا که تاریخ جنین‌شناسی نشان می‌دهد تا قرن بیستم دانش کمی در خصوص مرحله‌بندی و طبقه‌بندی جنین انسان وجود داشته است. با این حال قرآن مراحل جنین‌شناسی انسان را با جزئیات واضح توضیح می‌دهد. بسیار قبل‌تر از آنکه هیچ‌کس چیزی درباره جنین‌شناسی ارائه کند چه برسد به بیان مراحل جنین‌شناسی ... تنها نتیجه‌ی منطقی این است که این توصیفات از طرف خدا برای محمد آشکار شده‌اند». (<https://ejazquran14.blogfa.com/post/19>).

۱-۵. اعجاز آورنده

بر اساس شواهد تاریخی پیامبر اکرم ﷺ تا قبل از بعثت، نه دیده شد کتابی بخوانند و نه چیزی بنویسند، اما پس از بعثت جملاتی را بر زبان می آوردند که تا به امروز هیچ کس نتوانسته است حتی شبیه آن را بیاورد. حال سوال این است شخصی که ابتدایی ترین جملات را نمی خوانده و نمی نوشته است، چگونه با یک رفت و برگشت به غار حرا به حدی می رسد که این گونه کلمات بلند و پر مغزی را بر زبان جاری کند؟

فرمایش آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در خصوص اُمی بودن پیامبر اکرم ﷺ بدین نحو است که ایشان اُمی بودن را نه به معنای اهل ام القرى بودن و نه به معنای دارای فطرت پاک بودن، بلکه با توجه به آیه چهل و هشتم سوره مبارکه عنکبوت (وَ مَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّونَ يَمِينُكُمْ إِذْ لَا لِزَاتُ الْمُؤْمِنُونَ)، به معنای ندانستن خواندن و نوشتن می‌دانند. زیرا در این آیه می‌فرماید اگر پیامبر قبل از نبوت چیزی می‌خواند یا چیزی می‌نوشت، اهل باطل در نبوت او و کتاب آسمانی‌اش شک می‌کردند.

آیا این کار خارق‌العاده شبیه کار حضرت موسی علیه السلام نیست که تا به حال هیچ کس ندیده بوده که ایشان چیزی را به چیز دیگری تبدیل کند، ولی یک مرتبه در یک مجلس عصای خشک را به اژدهای بزرگ تبدیل می‌کند. همین‌طور شفای بیماران و

زنده کردن مردگان که ابتدائاً از حضرت عیسی علیه السلام صادر شد بدون اینکه قبل از آن سابقه‌ای داشته باشد و یا برای آن تمرینی شده باشد. فهم و تحلیل تمام این اتفاقات با تبیین مسئله معجزه و تفاوت آن با امور خارق‌العاده دیگر به راحتی حاصل می‌شود که در کتب اعتقادی مفصلاً ذکر شده است (علامه حلی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۸-۱۵۹).

پس براساس این وجه اعجاز پیامبری که به طور اساسی خواندن و نوشتن نمی دانست کتابی را به جهانیان عرضه کرد که دارای والاترین معارف بشری و زیباترین کلمات و ترکیبات است و تنها تحلیل ممکن برای این پدیده مسئله وحی و اعجاز است.

۱-۶. اعجاز اخباری

یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن کریم این است که خبر می‌دهد از به وقوع پیوستن اموری که فهم آنها برای مردم ممکن نیست. به عبارت دیگر قرآن کریم پیشگویی و خبر غیبی ارائه می‌دهد. این پیشگویی به دو گونه است؛ گاهی از رخ دادن یک واقعه‌ی خاص خبر می‌دهد، چه این واقعه در گذشته رخ داده باشد، و کسی از آن خبر نداشته باشد و یا در آینده رخ بدهد مثل آیات اولیه‌ی سوره روم که خبر از پیروزی لشکر روم بر لشکر ایران در آینده‌ای نزدیک در مکانی مشخص می‌دهد. گاهی نیز قاعده‌ای کلی را بیان می‌کند که مصادیق متعددی ذیل آن قرار می‌گیرند. آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) به یکی از این مصادیق اشاره می‌کنند: «چه بود ایران؟ ایران طاعت، ایران آمریکا، ایران پیوسته‌ی با صهیونیست‌های غاصب؛ او چه بود، حالا چیست: قطب قدرتمند مقابله‌ی با استکبار و صهیونیسم، سند محکم ملت‌های مسلمان؛ اینها را داریم جلوی چشم‌مان مشاهده می‌کنیم. این معجزه‌ی دعوت قرآن و خبر قرآن و آگاهی‌هایی است که قرآن به ما می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۴).

گاهی شرایط اجتماعی به نحوی پیش می‌رود که تقریباً تمامی افراد آن اجتماع پیش‌بینی خاصی در مورد ادامه روند آن اجتماع دارند، اما در کمال تعجب اتفاق دیگری در آن اجتماع رخ می‌دهد.

برای نمونه در خاطرات آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) می‌خوانیم که ایشان و

عموم مبارزین قبل از انقلاب، اصلاً تصورش را هم نمی‌کردند که انقلاب در سال پنجاه و هفت پیروز بشود، ولی خداوند به نحوی صفحه‌ی روزگار را چرخاند که این اتفاق در جامعه‌ی ایران بیفتد (آذر شب، ۱۴۰۰، صص ۳۱۳-۳۱۸). این مسئله را می‌توان در مباحث اراده‌ی الهی جستجو کرد که اگر خداوند متعال امری را اراده نماید آن امر به‌طور یقین محقق خواهد شد، حتی اگر عده‌ی زیادی از انسان‌ها مخالفت کنند.

۷-۱. اعجاز هدایتی

اعجاز هدایتی بدین معناست که قرآن دارای مضامینی است که تماماً هدایت‌بخش بوده و هیچ نکته‌ی گمراه‌کننده‌ای در آن وجود ندارد. به عبارت دیگر قرآن کریم یک نظام هدایتی را به انسان‌ها برای رسیدن به کمال ارائه می‌دهد که هیچ‌یک از دیگر نظام‌های ادعا شده را یارای مقابله با نظام قرآنی نیست. نظام هدایتی قرآنی نظامی است که صدر و ذیل آن به‌طور کامل هماهنگ بوده و بشر را بدون ذره‌ای لغزش به مقصود از خلقت که کمال است می‌رساند.

آیه‌ای که در قرآن کریم به بحث اعجاز هدایتی اشاره دارد آیه ۴۹ سوره قصص است که می‌فرماید: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو: اگر راست می‌گویید، کتابی از نزد خداوند بیاورید که رهنمون‌تر از آن دو باشد تا آن را پیروی کنم».

در این آیه‌ی مدنی خداوند خطاب به یهودیان مدینه و مشرکان می‌فرماید: اگر شما از جانب خود کتابی دارید که از دو کتاب آسمانی تورات و قرآن هدایت‌بخش‌تر است، پس آن را بیاورید. آنچه مشهود است این است که خداوند متعال به صفت هدایتگری قرآن تحدی کرده است و چون تحدی فقط نسبت به امری معنا دارد که معجزه‌آمیز باشد، پس معلوم می‌شود که هدایت‌بخشی قرآن یک معجزه است. توضیح اینکه غرض خداوند از تحدی این است که افراد به سمت مقابله با قرآن بیایند تا خود به عجزشان پی برده و متوجه بشوند که قرآن محصول دست بشر نیست تا بشر بتواند مثل آن را بیاورند، بلکه امری است از جانب خداوند که بر لسان پیامبرش جاری گشته است.

حال وقتی خداوند در این آیه به هدایت بخشی قرآن تحدی می کند معلوم می شود که هدایت بخشی قرآن یک امر اعجاز گونه است و گرنه مورد تحدی قرار نمی گرفت. حال سوال این است که قرآن چگونه هدایت بخش است؟ به عبارت دیگر چه مطالبی در قرآن وجود دارد که خود را هدایت بخش می خواند؟

قرآن کریم دست کم در دو بخش معجزه است:

۱. بخش اول مباحث اعتقادی است که در قرآن کریم ذکر شده است. قرآن کریم در عصری نازل شد که هنوز بسیاری از مردم جهان بت پرست بودند و اندک ادیان توحیدی موجود در جهان به جعل، تحریف و انحراف کشیده شده بودند، اما قرآن با بیانی شیوا و کاملاً عقلانی هم وجود خداوند را به اثبات می رساند و هم اهم صفات او را مستدلانه بیان می کند. در بحث نبوت خداوند متعال فلسفه نظام نبوت را بیان می کند و هم چنین ادله و شواهد محکمی برای معاد و رستخیز ارائه می دهد. معارفی که قرآن در این زمینه عرضه کرده است امروزه همچنان پابرجاست و هرچه زمان می گذرد این اتقان توسط پژوهش های فلسفی و کلامی تایید می شود.

۲. بخش دوم نظام تشریعی قرآن کریم است. بدون شک هر مکتبی که انگیزه ی بقا دارد، باید علاوه ی بر ارائه ی یک جهان بینی عقلانی، یک راه و روش زندگی را هم برای پیروان خود ترسیم کند. و مهمتر از آن باید این راه و روش زندگی منطبق بر آن جهان بینی باشد و گرنه پیروان به زودی تناقض در مرحله باورها با هنجارها را تشخیص داده و از آن دین رویگردان می شوند. قرآن دقیقاً همین کار را انجام داده است، یعنی یک نظام تشریعی را تدوین کرده که هم از انسجام درونی برخوردار است و هم از انسجام بیرونی که با جهان بینی خود دارد. از زمان نزول قرآن تا به امروز هیچ کس نتوانسته خدشه ای نه بر نظام اعتقادی قرآن وارد کند و نه بر نظام تشریعی آن، و هر شبهه ای که بر این دو حوزه وارد شده با پاسخ های محکم و منطقی عالمان دین مواجه شده است.

آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) در خصوص پاسخگویی قرآن به نیاز اعتقادی و تشریعی بشر می فرماید: «هدایت در قرآن است، اگر با قرآن اُنس گرفتیم، اگر قرآن را

درست فهمیدیم، اگر در قرآن تدبّر کردیم، آن وقت پاسخ درست به سؤالات زندگی به ما داده خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۶).

۲. جاودانگی اعجاز قرآن

در ابتدای امر می‌توان گفت که جاودانگی قرآن با جاودانگی اعجاز قرآن دو مطلب متمایز است، به این بیان که مراد از اولی این است که قرآن فیزیکی که در دستان من و شماست تا روز قیامت در بین انسان‌ها موجود خواهد بود و هیچ‌گاه مانند صحف حضرت ابراهیم علیه السلام و زبور حضرت داوود علیه السلام، همه آن یا بعضی از آن از بین نمی‌رود. و مراد از دومی این است که افزون بر اینکه خود وجود خارجی قرآن تا ابد محفوظ است، قرآنیت آن هم تا ابد دست نخورده باقی می‌ماند. به عبارت بهتر تمامی وجوهی که برای اعجاز قرآن ذکر شده است، همراه با آن باقی می‌ماند و از بین نمی‌رود، یعنی نمی‌توان گفت روزی بیاید که قرآن باشد، ولی به‌طور مثال دیگر فصاحت و بلاغت آن در حد اعجاز نباشد.

اما با دقت نظر به این نتیجه می‌رسیم که مراد از هردوی جاودانگی قرآن و جاودانگی اعجاز قرآن باهم محقق می‌شود. یعنی به‌طور اساسی قرآن ماهیتی اعجاز‌آمیز دارد و نمی‌توان تصور کرد قرآنی به‌شکل فیزیکی باقی بماند، ولی قرآنیت آن و اعجاز آن از بین رفته باشد، به این دلیل که اعجاز قرآن برآمده از همان الفاظ قرآنی است و اگر بر فرض الفاظ قرآن از نظر فیزیکی باقی بماند، تبعاً اعجاز قرآن نیز باقی مانده است. آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) در این باره می‌فرماید: «وقتی خود آن حقیقت و پدیده یعنی قرآن معجزه است، لازمه‌اش جاودانگی است و فرق می‌کند با یک عمل معجزه‌آسا در یک زمان خاص. فرض کنید حضرت موسی علیه السلام که معجزه کرد ... این معجزه یک حادثه بود و تمام شد، لکن قرآن جاودانه است. و این جاودانگی قرآن با جاودانگی دین مرتبطند و چون دین اسلام دین آخر و دین جاودانه است، پس معجزه‌ی او هم باید معجزه‌ی جاودانه و همیشگی باشد، ولذا اعجاز را در خود قرآن قرار داده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۱۶).

۳. عمومیت طولی و عرضی اعجاز قرآن

برای اعجاز می توان به دو نحو عمومیت قایل شد:

۱. گاهی یک معجزه فقط نسبت به یک سری از افراد اعجاز خود را نشان می دهد و گاهی به نحوی است که تمامی مردم با هر سطح فکر و علم از اعجاز آن آگاه می شوند. در صورت اول معجزه دارای عمومیت عرضی نخواهد بود. به طور مثال اگر یک پیامبری یک مسئله پیچیده ریاضی را حل کند، مسئله ای که بر فرض هیچ کسی قبل او آن را نتوانسته حل کند و بعد او هم کسی نمی تواند این مسئله را حل کند، در این صورت این معجزه عمومیت عرضی ندارد؛ زیرا فقط ریاضی دانان می توانند معجزه بودن این عمل را درک کنند. اما به طور مثال وقتی حضرت موسی علیه السلام عصایی را از درختان می کند یا حضرت عیسی علیه السلام مرضی را در لحظه و بدون دارو شفا می دهد، همه ی مردم متوجه می شوند که این عمل فوق العاده است؛ زیرا به طور اساسی اگر متوجه نشوند، غرض از اعطای معجزه به نبی که همان هدایت مردم است محقق نمی شود. البته برخی اقشار مثل ساحران و پزشکان درک عمیق تری از این اعجاز پیدا می کنند. حال قرآن کریم معجزه ای است که اعجاز آن بر تمام مردم آشکار بوده است؛ زیرا در غیر این صورت غرض از دادن معجزه به پیامبر صلی الله علیه و آله که همانا هدایت مردم است، محقق نمی شود.

۲. تمام معجزاتی که در دستان انبیا ظاهر گشته است، زمان مند بوده است. توضیح اینکه تنها کسانی معجزه ی حضرت موسی علیه السلام را درک کردند که در آن مجلس کذایی فرعون حاضر بودند و دیدند که ایشان عصایی خشک را به ازدهایی ترسناک بدل کرد و انسان های بعد از آن واقعه تا روز قیامت، از درک مستقیم این اعجاز عاجز هستند. همین طور معجزات سائر انبیا و حتی سائر معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به اگر آن معجزات به حد تواتر یا به حدی که اطمینان به وقوع آن حاصل شود، برای دیگران هم نقل شود برای دیگران هم سودمند است، اما همان طور که گفته شد هیچ معجزه ای غیر از قرآن قابل درک مستقیم توسط مردم غیر از زمان آن معجزه نمی باشد.

اما براساس فرمایش آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) از آنجایی که قرآن خودش فی

نفسه معجزه است (و به تعبیر ما اعجاز آن از قرآنیت آن جدا نمی‌شود و این دو یکی هستند) تا وقتی که قرآنی باشد معجزه بودن آن باید باقی باشد. افزون بر اینکه فرض ما جاودانگی و جهان‌شمولگی اسلام است، بالتبع سند حقانیت این دین هم باید جاودانه (یعنی دارای عمومیت طولی) و جهانی (یعنی دارای عمومیت عرضی) باشد؛ بنابراین براساس مطالبی که در عمومیت عرضی بیان شد باید برای تمام مردم تمام دوران‌ها معجزه باشد نه تنها ادیبان و یا دانشمندان.

۴. هدف از اعطای معجزه به پیامبران

بسیاری از اندیشمندان اسلامی تصریح کرده‌اند که غرض از ارسال پیامبران هدایت بشریت به سوی کمال الهی می‌باشد (علامه حلی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۲-۱۵۳؛ طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۳۴؛ سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۶۲؛ عبده، ۱۳۷۴، ص ۱۷؛ موسوی لاری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۲). حال این هدف خداوند وقتی محقق می‌شود که مردم به پیامبران ایمان آورده و به دستورات ایشان عمل کنند. از طرف دیگر وقتی مردم به مدعی نبوت ایمان می‌آورند که شخص مدعی، بینه‌ای را بر اثبات ادعای خود اقامه کند؛ بنابراین خداوند متعال به بعضی پیامبران خود که نیاز به این اثبات دارند، معجزه عطا می‌کند تا به وسیله‌ی آن، صدق ادعای ایشان ثابت گردد. برخی پیامبران توسط پیامبر قبلی به‌عنوان پیامبر بعدی معرفی شده‌اند و برخی دیگر نیز به‌خاطر زندگی طولانی سالمی که میان مردم داشته‌اند مورد اعتماد مردم هستند، از این‌رو برای هدایت مردم نیازی به عرضه معجزه ندارند، گرچه برای اعتماد بیشتر ممکن است معجزاتی را هم عرضه کنند. پس هدف نهایی اعطای معجزه به پیامبران هدایت مردم است.

آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) نیز ضمن اشاره به این مطلب می‌فرماید که هدف از ارسال پیامبران تکامل بشر در تمام زمینه‌های مادی و معنوی است (خامنه‌ای، ۱۴/۸/۱۳۸۰).
باتوجه به این مقدمه می‌گوییم معجزه گاهی به‌طور مستقیم این هدف را تأمین می‌کند و گاهی باواسطه. توضیح اینکه اگر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با قدرت اعجاز سنگریزه‌ها را به سخن در بیاورد، مردم به او ایمان می‌آورند و وقتی به دستورات او عمل

کنند به هدایت رسیده و هدف خداوند محقق می‌شود، پس در این صورت هدف الهی با واسطه محقق می‌شود. مثال دیگر اینکه اگر مردم به فصاحت و بلاغت اعجاب‌انگیز قرآن پی ببرند، ایمان آورده و در صورت عمل به دستورات خداوند هدایت می‌شوند. پس در این جا نیز هدایت مردم با واسطه بود.

اما در صورت دوم مردم به‌طور دقیق به وسیله مفادی هدایت می‌شوند که همان مفاد معجزه است. این قسم منحصر در اعجاز هدایتی قرآن کریم است. توضیح اینکه وقتی مردم مطالب شگرف اعتقادی و تشریعی موجود در قرآن کریم را می‌بینند، ایمان می‌آورند و متعلق ایمان دقیقاً همان چیزی است که اعجاز داشت و موجب ایمان مردم شد، از این رو واسطه‌ای در میان نیست، برخلاف بقیه‌ی انواع اعجاز که فقط شخص را به ایمان آوردن رهنمون می‌کند، ولی متعلق ایمان در جای دیگر باید جستجو بشود.

نتیجه گیری

از مطالبی که گفته شد، روشن گردید که جاودانگی قرآن و جاودانگی معجزه بودن قرآن از یک‌دیگر جدایی‌ناپذیر است و هر دو جاودانه هستند. نیز روشن شد که قرآن کریم از جهات متعدد معجزه است و معجزه آن، عمومیت طولی (فرازمانی و جاودانه) و عرضی (فرازمینی و جهان‌شمول) دارد. نیز روشن شد که از میان انواع و ابعاد اعجاز قرآن، هدایت‌بخشی قرآن بزرگترین، مهمترین و محکم‌ترین وجه اعجاز قرآن است. وجه اعجازی که اولاً دارای عمومیت طولی و عرضی به‌شکل همزمان است، ثانیاً با هدف ارسال رسل تطابق بیشتری دارد و ثالثاً به‌طور مستقیم دست بشر را در دست هدایتگر خداوند قرار می‌دهد.

فهرست منابع

✱ قرآن کریم

۱. آذرشب، محمدعلی. (۱۴۰۰). خون دلی که لعل شد (مترجم: محمدحسین باتمان غلیچ). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶ق). مناقب آل ابی طالب (ج ۲). قم: المکتبه الحیدریه.
۳. پرفسور کیتمور، <https://ejazquran14.blogfa.com/post/19>
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱). بیانات در جلسه بیست و پنجم تفسیر سوره بقره، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17179>
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱). بیانات در جلسه بیست و هفتم تفسیر سوره بقره، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17181>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰). دیدار جمعی از سپاهیان پاسدار و بسیجیان و خانواده‌های شهدای استان اصفهان، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11667>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات قرآن، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12866>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵). بیانات در محفل انس با قرآن کریم، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33309>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). بیانات در محفل انس با قرآن کریم، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36663>
۱۰. خضری، سیداحمد رضا؛ فرهی، عبدالله. (۱۳۹۴). تطور مفهوم علم در گذر از عصر جاهلی به عصر نبوت. مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۲۷، صص ۱۰۶-۷۹.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۰۵ق). مقدمه جامع التفاسیر مع تفسیر الفاتحه و مطلع البقره. کویت: دارالدعوه.
۱۲. زقزوق، محمود حمدی. (۱۳۸۷). اسلام و غرب (ج ۱، مترجم: حجت الله جودکی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۶). سیمای عقائد شیعه. تهران: نشر مشعر.
۱۴. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۷). دانش نامه کلام اسلامی. قم: موسسه امام صادق ع.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج ۴). قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن (ج ۳). بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۰). ترجمه تفسیر مجمع البیان (ج ۱، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: انتشارات فراهانی.
۱۹. عبده، محمد. (۱۳۷۴). ترجمه رساله التوحید (مترجم: عبدالله احمدیان). سقز: انتشارات سقز.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۲). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۲۱. کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۳۲۱). مصباح کفعمی. تهران: چاپخانه مدرسه فخریه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۵۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار (ج ۴). تهران: صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). وحی و نبوت. تهران: صدرا.
۲۵. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). علوم قرآنی. تهران: سمت.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۱۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۷. موسوی لاری، مجتبی. (۱۴۲۹ق). اصول عقائد (ج ۱). قم: مرکز نشر ثقافه السلامیه فی العالم.

۲۸. هاشمی، احمد. (۱۳۸۸). جواهرالبلاغه. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۲۹. هاشمی، سیدعلی. (۱۳۹۷). اعجاز هماهنگی قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



References

* The Holy Quran

1. Abduh, M. (1995). *Translation of Risalat al-Tawhid* (A. Ahmadian, Trans.). Saqqez: Saqqez Publications. [In Persian]
2. Allameh Helli, H. Y. (2003). *Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-I'tiqad*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
3. Azarshab, M. A. (1980). *The Blood of My Heart Became a Ruby* (M. H. Batman Ghelich, Trans.). Tehran: Islamic Revolution Publications. [In Persian]
4. Hashemi, A. (2009). *Jawahir al-Balaghah*. Qom: Management Center of Qom Seminary. [In Persian]
5. Hashemi, S. A. (2018). *The Miracle of the Harmony of the Holy Quran*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
6. Ibn Shahr Ashub, M. A. (1956). *Virtues of the Family of Abu Talib* (Vol. 2). Qom: Al-Maktabah al-Haydariyyah. [In Arabic]
7. Kaf'ami, I. A. (1942). *Misbah Kaf'ami*. Tehran: Fakhrieh School Printing House. [In Arabic]
8. Khamenei, S. A. (1992). *Statements in the Twenty-Fifth Session of the Interpretation of Surah Al-Baqarah*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17179> [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (1992). *Statements in the Twenty-Seventh Session of the Interpretation of Surah Al-Baqarah*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17181> [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (2001). *Meeting with a Group of IRGC Members, Basijis, and Families of Martyrs from Isfahan Province*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11667> [In Persian]
11. Khamenei, S. A. (2011). *Statements in a Meeting with Participants of the Quran Competition*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12866> [In Persian]

12. Khamenei, S. A. (2016). *Statements in the Gathering of Intimacy with the Holy Quran*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33309> [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (2017). *Statements in the Gathering of Intimacy with the Holy Quran*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36663> [In Persian]
14. Khezri, S. A. R., & Farahi, A. (2015). The Evolution of the Concept of Knowledge from the Age of Ignorance to the Age of Prophethood. *Islamic History Studies*, 27, 79–106. [In Persian]
15. Ma'arefat, M. H. (2000). *Quranic Sciences*. Tehran: SAMT. [In Persian]
16. Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vol. 50). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
17. Makarem Shirazi, N., et al. (1992). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 14). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
18. Motahhari, M. (1997). *Collected Works* (Vol. 4). Tehran: Sadra. [In Persian]
19. Motahhari, M. (2013). *Revelation and Prophethood*. Tehran: Sadra. [In Persian]
20. Mousavi Lari, M. (2008). *Principles of Beliefs* (Vol. 1). Qom: Center for Islamic Culture Publications. [In Arabic]
21. Professor Kitmor. Retrieved from <https://ejazquran14.blogfa.com/post/19>
22. Raghieb Isfahani, H. (1984). *Introduction to Comprehensive Interpretations with the Exegesis of Al-Fatihah and the Beginning of Al-Baqarah*. Kuwait: Dar al-Da'wah. [In Arabic]
23. Sobhani, J. (2007). *The Image of Shi'a Beliefs*. Tehran: Nashr Mash'ar. [In Persian]
24. Sobhani, J. (2008). *Encyclopedia of Islamic Theology*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]

25. Suyuti, A. A. B. (1984). *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur* (Vol. 4). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [In Arabic]
26. Suyuti, A. A. B. (2000). *Al-Itqan fi Ulum al-Quran* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
27. Tabarsi, F. I. H. (1971). *Translation of Tafsir Majma' al-Bayan* (Vol. 1, S. R. Mahallati, Trans.). Tehran: Farahani Publications. [In Persian]
28. Tabatabai, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
29. Zagzoug, M. H. (2008). *Islam and the West* (Vol. 1, H. Joudaki, Trans.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

